

شهداء الغضیه

یا

کتابی که خاطرات «مركسقراط» را تجدید کرد

تاریخ فداکاران رهنمایست که سرانجام، جوامع انبوه بشریت را در دریای بیکران زندگی بساحل امید خواهد رسانید. تنها سطرهای جذاب در صفحات زندگی انسانها جایست که فروغی از کارنامهٔ فروزان مردان بزرگ بر آن تابیده است، و زندگی آنانست که مانند تابلوی جاندار در مرآی آیندگان قرارداد.

شهادی علم و فضیلت، شهادی عدالت و انسانیت، شهادی دین و اخلاق، اثری روی افکار اجتماع گذارده اند که هیچگاه محو نمیگردد، و همواره خاطرات آنان باطلوع و غروب ستارگان تجدید میشود، و نهضتهای عمیق انسان پیوسته عواطف جوامع عظیم انسانی را بر میانگیزد، و درس سودمندی که با بنای جامعهٔ خود آموخته اند در تمام فراز و نشیبهای تاریخ تکرار میگردد.

روزی که **سقراط** جام شوکران را بیدرنک نوشید، گذشت زمان از این شهامت و بزرگی با شتاب سر فصلی اخذ کرد که پیاپی زیر آن سطوری نوشته شده است و خواهد شد

این رشته فداکاری در میان منجیان بزرگ از دورانی قدیم وجود داشت، و روح آنان را بسوی کسب افتخار جاوید پیش میبرد، تا اینکه در مذهب شیعه، فداکاری و مبارزه در راه حق و فضیلت، نقشی ثابت و اصولی بخود گرفت، و در اثر تعلیمات عملی پیشوایان شیعه، شهادت و جانبازی در راه پایداری دین خدا و نجات جامعه‌های انسانی رسمیت دینی یافت، و حفظ ناموس و عدالت و دین بر حفظ جان عاریت مقدم شناخته شد، این بود که مصلحان شیعه از آغاز فعالیت، دست از جان خویش می‌کشند. شاید نتوان در تاریخ شیعه صفحه‌یی یافت که بدون حادثه‌یی خونین تمام شده باشد... این استقامت حیرتبار، امتیاز ویژهٔ شیعیان بود و در این راه بجز افراد باایمان و سربازان باحمیت، علمای بزرگی را تقدیم آستان شهادت کرد که در این گفتار بشناساندن کنایهٔ پرداخته‌ایم که در تاریخ آنان تألیف یافته است.

بیست وهفت سال پیش (۱۳۵۵ هـ ، ۱۹۳۶ م) یکی از فقهای نجف کتابی انتشار داد که در محافل علمی و اجتماعی انعکاسی شگرف پیدا کرد ، و بعنوان يك کتاب تربیتی و پژوهشی تلقی گردید ، و بر بیشتر مؤلفان و دانشمندان روشن کرد که وظیفه قلم و تألیف تنها خاموشی و بی خاصیتی نیست ، بلکه میتواند در سایه تحقیق نیز بمفاهیم زنده گرایید ، آری علمای شیعه در اثر تعلیمات زنده شیعی ، تاریخ پر افتخار شهدای فضیلت را بوجود آوردند و لازم بود که توماری از آن خونهای پاک تهیه گردد ، تا اینکه عالمی مجاهد و مصلحی غیور کتاب تاریخ آنان را نوشت ، و صفحات شهداء الفضیله را در منظر اجتماع گرفت ، و نشان داد که قلمرو دانش نیز با خون پاک مردانی رونق یافته و تاریخ علم سر فصلهایی خونین داشته است .

علامه امینی (شیخ عبدالحسین احمد) پیش از بگریان در آوردن سیل خروشان (الغدیر) بسوی اعتقادات ملل اسلامی کتاب (شهداء الفضیله) را بدست مجامع تربیتی امت اسلام داد ، و روح هیجان دینی و از خود گذشتگی در راه حقایق آسمانی را در آنان دمید ، و گروهی را پرورش داد که بیگمان تاریخ روی آنان حساب خواهد کرد ...

گفتار مؤلف پیرامون کتاب :

« کتاب ، فنی تاریخی ادبی ، مبتکرانی موضوعه ، يتضمن تراجم شهداء علمائنا الاعلام من القرن الرابع الهجری الى العصر الحاضر وهم : «مائة وثلاثون شهیداً» . مؤلف درك ارزش كتاب را بخواننده خود واگذار کرده و پس از این جمله کوتاه که در آغاز آمده دیباچه‌یی بس مختصر آورده است و در آن میگوید : «این همان کتابی است که برای گرد آوریش کوشیدم ، و عمر گرانمایه خود را در راه نگارش سپری کردم ، و خود حاوی تاریخ و سرگذشت شهیدان دانشمندانمان که خون خود را برای پایداری حقایق دینی ریختند میباشد ، و آنرا بچویندگان فضایل و رهبران کمال انسانی تقدیم میکنم ، تا بدینوسیله باز ، یاد آن شهدای عالیقدر زنده گردد .»

سپس میگوید : چون آن گروه از دانشمندان ما که در خلال سه قرن اول هجری شهید گشتند ، شرح حالشان در کتابها و معجمهای فراوانی گرد آوری شده است ، در این کتاب از شهدای قرن چهارم آغاز کردم تا عصر حاضر ، و بعنوان - تذییل - در خیلی از قرن‌ها شرح حال برخی از شهیدان مشهور شیعه را که از شخصیتها و فضائل بوده اند ولی شهرت علمی نداشته اند نیز آوردم چه یاد آنان را خالی از اهمیت ندیدم... آنکاه کتاب بانام «ناصر کمیر» آغاز میگردد .

گروهی از شهیدان

پیش از بیان سایر مزایای کتاب نام چند تن از شهیدان را میآوریم، و با قلبی آکنده از عشق و محبت بمردان بزرگی که در راه تشیع و ولایت علمی و عهه یاسا بر نوامیس اسلامی جان سپردند، بروان تابناکشان درود میفرستیم، البته در اینجا بذکر نام و سال شهادت آنان بسنده شده است، و تفصیل شخصیت علمی و موقعیت اجتماعی ورشته های آنان را باید در خود کتاب دید:

۳۰۴	سال شهادت	۱- ناصر کبیرا بومحمد اطروش حسینی
قرن ۴	«	۲- شیخ ابوالحسن علان رازی
۳۶۶	«	۳- ناشی صغیر - ابن وصیف بغدادی (۱)
۳۹۸	«	۴- حافظ بدیع الزمان همدانی
۳۹۹	«	۵- شیخ ابوعلی انطاکی
قرن ۴۶۰ ح	«	۶- ابوالحسین حلبی نجوی
۴۹۸	«	۷- شیخ ابوالقاسم کرکی قزوینی
۲/۵۰۱	«	۸- ابوالمحاسن رویانی طبری
۱۸/۱۴/۱۳/۵۱۵	«	۹- مؤیدالدین طغرای
۵۲۹	«	۱۰- ابن ابی زرعۀ قزوینی
۵۶۳	«	۱۱- قاضی ابوالحسین غسانی
قرن ۶	«	۱۲- شیخ ابوعلی فتال نیشابوری
-	«	۱۳- نصیرالدین راوندی
قرن ۶	«	۱۴- شیخ جمالالدین حمدانی
۶۳۳	«	۱۵- حافظ محمد بن یوسف عرباضی
قرن ۸	«	۱۶- تاجالدین محمد آوی
-	«	۱۷- سید جمالالدین بن ابی الفوارس
۷۳۲	«	۱۸- بدرالدین بن زهره

۱- «ناشی» بگفته سمعانی در «انساب» بکسی گویند که بریکی از فنون شعرنش، و نمسا کرده باشد، و آن لقب (ابوالحسن بن وصیف) گشته است، ابن وصیف ساکن مصر و از شاعران غدیر و متکلمی توانا و از مشایخ روایت شیخ مفید بوده است، ادب را از (ابوالعباس میردو ابن معتز) اخذ کرده است (و ابن فارس لغوی و عبدالله بن احمد روز به) از وی اخذ کرده اند، و در سفرش بکوفه (متنبی) در جلسات ادبی او حاضر میشده است. شرح حالش در (الغدیر) ج ۴ ص ۲۴-۳۳ نیز آمده است.

۷۹۶	۱۹- سیدشاه فضل الله مشهدی، متخلص به (نعمی) سال شهادت
۷۸۶	۲۰- شمس الملة والدين محمد بن مکی (شهید اول) «
۹۰۳	۲۱- ابوالمعالی صدرالدین دشنکی «
۹۲۷	۲۲- میرغیاث الدین هروی رازی «
۹۴۵	۲۳- شیخ نورالدین علائی کرکی (محقق ثانی) «
۹۱۴	۲۴- شیخ عمادالدین طوسی «
۹۶۵	۲۵- شرف الاسلام شیخ زین الدین عاملی (شهید ثانی) «
۱۰۱۹	۲۶- قاضی ضیاء الدین نورالله شوشتری «
۱۱۵۴	۲۷- سید ابوالفتح نصرالله حسینی «
۱۱۳۰	۲۸- شیخ محمد بن یوسف بلادی «
۱۲۳۵	۲۹- میرزا محمد کشمیری دهلوی «
۱۳۲۶	۳۰- میرزا محمد باقراصطهبا ناتی «

مقدمه کتاب

کتاب دارای مقدمه‌یی است درده صفحه تحت عنوان : «مقدمه و ترجمه و تحلیل» که بقلم فاضلانه استاد شیخ محمد خلیل الزین عاملی (۱) نگارش یافته ، و بدین شرح آغاز میگردد : لعل هذه الصورة التي نستعرض بها التاريخ الاسلامي تملی علينا دروساً نتوصل بها الى غاية نرفع بها القنـوط المستحوز علی ادمعة كثيرين ممن ينظرون الى القديم بعين ملؤها الهزء فنستعرض التاريخ لكي نجد وسيلة لاقتناع الناقلين علی طـريقة القدماء المتمسكين باهداب الجديد مهما كان نوعه وفصله ، ان التاريخ الاسلامي يعطينا صورة مكبرة لما كان يجول فی نفوس اسلافنا من النزعات والمبادئ ...

و بطور خلاصه ، گفتار خلیل الزین در ابتدا این است که ما اگر بتوانیم باروش نوین پژوهش ، پیرامون حوادث تاریخ اسلام بررسی کنیم ، حتماً بی اعتمادی جوانان تحصیل کرده و محققان معاصر را از خیل ازمباحث تاریخی برطرف خواهیم کرد ، و حقایق اساسی و حوادث راست را بقبول آنان خواهیم داد ، بعد میگوید : عدة زیادی از مورخان روی هوی و هوس و تمصببات اعتقادی ، بنوشتن تاریخ دست زده اند ، و در نتیجه بروایت

حوادثی که پدیده‌های واقعی تاریخ اسلام را پیش چشم ما گذارد نپرداختند (۱) این شد که گروهی در اخذ تاریخ اسلام بجانب خاورشناسان رو کردند ، همین زیانمان بس که تاریخ ما را دیگران برایمان روشن کنند و معلوم است آنها نیز بی آنکه احساس شود در تحقیقات خویش اعمال غرضایی خواهند کرد ، پس شرح این حقیقت میگوید : ولیکن میان مورخان ، مردان مدقق با انصافی پیدا شده‌اند که در کاوشهای خود ، جز حقایق ثابت ، عرضه افکار نمیکنند و مایه گمراهی عموم نمیگردند ، بلکه خود نشاندهنده تطور فکری هستند که در عصر های پیچیده شده روی داده است ، از جمله کتاب «شهداء - الفضیله» از بهترین نمونه‌های آثار این نویسنده‌گان است که الهام بخش دیگران خواهد گشت .

سپس سخن را ببیان اهمیت شهداء الفضیله و عظمت و نبوغ و شهامت مؤلف آن پیوست میدهد ، و موقعیت کتاب را از نظر تاریخ اسلام و ادب عربی روشن میکند و از جمله مینویسد : مؤلف برای انجام این کار گرانقدر در حالی که جز خامه پرتوان و همت و الایش یاوری نداشت بپاخواست ، و برای جمع آوری آن ، کنا بخانه های ایران و عراق را بدقت مورد بررسی قرار داد ، و در راه جستجوی احوال شهیدان ، نسخه های کمیاب را کاوید و بجز مالی که صرف کرد سالهایی چند از عمر خود را گذراند ، بطوری که مبالغه نکرده ایم اگر بگوییم علامه امینی در تألیف این کتاب نیروهایی بمصرف رسانید که خارج از متعارف بود تا نتوانست آنرا با این ترتیب بدیع و سبک زیبا و بیان لطیف و تعبیر نیکو بیرون دهد و خوانندگان ، خود هنگامی که این یگانه کتاب را بخوانند به رنجهای فراوانی که در راه تألیف آن تحمل شده است پی خواهند برد .

در نخستین نظر ، تصور نمیشود که شماره شهدای فضیلت بیش از بیست باشد و من موقعی که با علامه امینی گفتگو میکردم بخیالم نگذشته بود که شماره شهدای علمای ما این اندازه زیاد باشد ، چون متعارف این است که شهیدان ، میان لشکر کشان و شمشیر زنان باشند ولی علما نیامده‌اند که با اسلحه جنگی دفاع کنند بلکه آنان باید با فکر و قلم از حقایق پشتمبانی کنند و مردم را بسوی عقاید و مبادی حقه سوق دهند ... لیکن غیرت علامه

۱ - جلد اول (الغدیر) بحث - التاريخ الصحيح - و جلد هشتم ، بحث - جنایة التاريخ - دیده شود .

در این بحث علامه امینی درباره کتب (بلاذری ، طبری ، ابن اثیر و عمادالدین بن کثیر دمشقی) کاوش کرده است ، و از گفتار مستدل و بامدرک وی معلوم میگردد که برکتی که در اینگونه موضوعات اسلامی بدون بررسی نظرهای (الغدیر) تألیف میگردد نمیتوان اعتماد کرد ، و تمام آنچه را طبری و امثال او نوشته‌اند نمیتوان صحیح دانست .

برشيعه اباورزيده است که درميان علما مرداني يافت نشوند که براي ياري فضيلت و دفاع از حق شهيد شده باشند ...»

بعد از اين بيانات در پايان مقدمه، خلاصه يي از زندگي مؤلف و پدرونياي وي (۱) آورده شده است، و پيش از اين قسمت، مراتب علمي و شخصيت روحاني مؤلف شرح داده شده و باجازات اجتهادي که فقهاي آنروز باو داده اند اشاره شده است.

علامه اميني بسال ۱۳۲۰ هجري پای بدین گیتی مینهد و پس از گذراندن دوران تحصیل در تبریز و «نجف اشرف» در حدود سن سی سالگی بمرحله کمال علمی اجتهاد و فقاہت نایل میگردد، سپس با اقدامات اصلاحی و مطالعات بیکران خود پیرامون (الغدیر) و تاسیس کتابخانه: «مکتبه الامام امیر المؤمنین» و تشکیل «دارالتألیف» در پایگاه علمی شیعه میپردازد، اینک نام علمایی که بوی اجازه اجتهاد داده اند:

- ۱- میرزا محمد حسین نائینی - استاد متأخران در گذشته بسال ۱۳۵۵
- ۲- میرزا علی آقا شیرازی - پیشوای اسبق شیعه و فرزند میرزای بزرگ « ۱۳۵۵
- ۳- حاج شیخ عبدالکریم یزدی « « « مؤسس حوزه علمیه قم ۱۳۵۵
- ۴- آیت الله سید ابوالحسن اصفهانی « « ۱۳۶۵
- ۵- شیخ علی نجفی قمی - فقیه زاهد « -
- ۶- شیخ محمد حسین کاشف الغطا - علامه و مصلح روشن فکر مشهور « ۱۳۷۱

ناتمام

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

۱- شرح حال عالم فاضل مرحوم میرزا احمد امینی و مرحوم مولی نجفعلی امین الشریع، پدر وجد علامه امینی که از اهل علم و فضیلت بوده اند در «طبقات اعلام الشیعه» نیز آمده است، از جمله رجوع شود به «تقباة البشر» ج ۱ ص ۱۲۴.